

بررسی جامعه‌شناختی میزان شهرگرایی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر ساری)

علی رحمانی فیروزجاه^۱ - سیده اکرم اصحابی^۲ - حکیمه کبیری نسب^۳

چکیده

شهرگرایی برخلاف شهرنشینی یک فرآیند رشد شهری نیست بلکه مرحله‌ی نهایی و نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. هدف مقاله‌ی حاضر این است که با توجه به روند افزایش شهرنشینی، شهرنشینان تا چه حد شهرگرا هستند و میزان شهرگرایی آنها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد. براساس عوامل مؤثر بر شیوه‌ی زندگی شهری از دیدگاه ترکیب‌گرایی و خرده‌فرهنگی، ده فرضیه مبتنی بر متغیرهای مستقل سن، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، درآمد، سابقه‌ی زندگی در شهر، منشأ شهری یا روستایی، نوع محله و تعداد فرزندان در رابطه با میزان شهرگرایی شهرنشینان تدوین شد.

برای بررسی تجربی فرضیات تحقیق از روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه‌ی مبتنی بر مصاحبه استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق افراد ۳۰ تا ۶۵ ساله شهرنشین شهر ساری و حجم نمونه ۳۴۰ نفر بوده که نمونه‌ها به روش طبقه‌ای تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. در سطح تحلیل تبیینی، از ضریب همبستگی پیرسون و اسپیرمن، آزمون من وایتنی و آزمون کروسکال والیس استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد میزان شهرگرایی شهرنشینان ساری در سطح بالایی قرار دارد و تعداد کمی از افراد از نظر میزان شهرگرایی در حالت متوسطی قرار دارند. نتایج مربوط به آزمون فرضیات حاکی از آن است که، نه متغیر مذکور با شهرگرایی رابطه‌ی معناداری دارد و نه متغیر درآمد با متغیر شهرگرایی. می‌توان گفت میزان بالای شهرگرایی افراد قابل تبیین در رویکرد جبرگرایی است و شیوه‌ی زندگی مردم شهر ساری حاصل جبر محیط شهری می‌باشد.

واژگان کلیدی: شهرگرایی، ازخودبیگانگی، فردگرایی، عقلانیت، رویکرد جبرگرایی

arfl348@gmail.com

ashabi-akram@yahoo.com

mah84nasab@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۲/۴/۸

۱ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۲ - استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

۳ - کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

تاریخ وصول: ۹۱/۱۲/۲

مقدمه

شهرگرایی (urbanism) مرحله‌ی مهمی در روند زندگی در شهرهاست زیرا فرهنگ شهرنشینی افراد در چگونه زیستن یعنی شهرگرایی آنها ظاهر می‌شود؛ ممکن است کشوری درصد بالایی از مردم شهرنشین را دارا باشد اما در سطح پایینی از شهرگرایی قرار داشته باشد. برخلاف شهرنشینی، شهرگرایی یک فرایند رشد کمی شهر نیست بلکه به عنوان مرحله‌ی نهایی و کیفی زندگی شهری یا نتیجه‌ی شهرنشینی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر شهرگرایی مفهوم عامی است شامل جنبه‌های روانشناسی اجتماعی زندگی شهری، الگوهای شخصیت شهری و انطباق رفتاری در شهر و دارای خصوصیات از قبیل تقسیم کار پیچیده همراه با ساخت متنوع اشتغال، تحرک زیاد سرزمینی و اجتماعی، گمنامی حقیقی و قابل ملاحظه شخصی در تماسهای میان افراد، شاخه شاخه شدگی و جدایی نقشهای اجتماعی و هم‌کنشی نقش و حالت‌های نامستقیم کنترل اجتماعی می‌باشد (کولب و گوکد، ۱۳۸۲: ۵۵۰).

در بسیاری از کشورهای رو به توسعه نیز از جمله ایران گسترش شهرنشینی و ورود فرهنگ مادی با سرعت بی‌سابقه و حتی سریع‌تر از کشورهای صنعتی اتفاق افتاده است و از آنجا که بسیاری از افراد آمادگی لازم برای ورود به این نوع زندگی را پیدا نکرده‌اند، بسیاری از چالشها و نابهنجاری‌های فردی را به دنبال آورده است و در نتیجه گسترش فرهنگ شهرگرایی، یکی از نمودهای زندگی دوران جدید و زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات است و این موضوع به یکی از دل‌مشغولی‌های بسیاری از نخبگان و صاحب‌نظران گوناگون در قبال پیامدهای مختلف فرآیند توسعه‌ی شهرگرایی تبدیل شده است (ممتاز، ۱۳۷۹: ۳).

این عوامل زندگی افراد را با دیگر شیوه‌های زندگی غیر شهری متفاوت می‌کند؛ این شیوه نظر به پیامدهای مثبت و منفی آن بر شهرنشینان، توجه اندیشمندان و پژوهشگران متعددی را در حوزه‌ی مسائل شهری بویژه در زمینه‌ی کیفیت روحیه‌ی زندگی شهری به خود معطوف کرده است زیرا این شیوه و سبک زندگی همانطور که اشاره شد بیشتر

مبتنی بر انزوای انسانهای شهرنشین و تمایل افراد به استقلال رفتاری و افزایش عدم هم‌نوایی اجتماعی است که این خود می‌تواند مسائل متعددی را در حوزه‌ی روانی - اجتماعی رقم بزند. با توجه به هم‌هی این مسائل سؤال این مقاله این است که با وجود اهمیت این موضوع مردم در شهر به چه میزان از روحیه‌ی شهرگرایی برخوردارند؟ و این میزان شهرگرایی آنها از چه عواملی تأثیر می‌پذیرد؟

پیشینه تحقیق

جدول شماره (۱): خلاصه‌ی پیشینه‌ی تجربی تحقیق و متغیرهای مورد بررسی

عنوان	مؤلف	روش	نتیجه
تمایز شهرنشینی و شهرگرایی	عبدالله پور (۱۳۸۷)	پیمایش	میزان شهرگرایی در سطح متوسط و متغیر شهرگرایی قابل تبیین در رویکرد ترکیبی است.
تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای فرهنگی اجتماعی	نیکوخصال (۱۳۹۰)	پیمایش	میزان شهرگرایی زنان بالا بوده و ایستارهای فرهنگی اجتماعی قابل تبیین در رویکرد جبرگرایی است.
رفتار شهرگرایی زنان	موسوی و نیکوخصال (۱۳۹۱)	پیمایش	بین شهرگرایی و از خودبیگانگی، عقلانی شدن کنش فردی، کاهش انسجام و افزایش فردگرایی رابطه معنادار است.
کاهش همبستگی در کلانشهر	موسوی (۱۳۹۱)	اسنادی	کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهر و فقدان انسجام و نظم پایدار در تعاملات انسانی
کنش متقابل اجتماعی افراد در شهر	کلود فیشر (۱۹۸۲)	پیمایش	افزایش خرده‌فرهنگها و تضاد و تعامل با دیگر گروههای اجتماعی و تقویت حس هویت مشترک
شهرگرایی پاسخی به فرآیندهای شهرنشینی جدید	بی هوپر (۲۰۰۹)	اسنادی	جهانی شدن، فضای شهری مدرن، و سیاستهای جنسیت، جوانان، قومیت و طبقه، شهرگرایی را تحت تأثیر قرار داده است.
بررسی تأثیر شهرنشینی بر رضایت از زندگی	وارفل و لیانگ (۱۹۸۳)	پیمایش	وجود رضایت از زندگی کمتر توسط افراد سالمند

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که تعدادی از این تحقیقات در شهرهای کوچک و کلانشهرها انجام شد و نتایج بررسی‌ها حاکی از تفاوت میزان شهرگرایی در آن شهرها می‌باشد. با توجه به مرور تجربی سوابق موجود، زندگی در کلانشهرها و شهرهای بزرگ حاصلی غیر از شهرگرایی را در بر نداشته است و نشانه‌هایی از روابط گرم‌تر و فردگرایی پایین‌تر در افرادی که در شهرهای غیر صنعتی با جمعیت کمتر زندگی می‌کنند، مشاهده شده است.

مبانی نظری تحقیق

شهرگرایی تنها به روند جذب شدن افراد گوناگون به مکانهای تجمع و سکونت در شهر اطلاق نمی‌شود. این مفهوم همچنین گویای تمرکز نمودهای و شیوه‌های خاصی از زندگی است که به موازات شهرها صورت می‌گیرد و سرانجام به تغییراتی در شیوه‌ی زندگی شهری اطلاق می‌گردد که در میان مردم آشکار و برجسته هستند و این شیوه از طریق مؤسسات و نهادهای شهری، وسایل حمل و نقل و وسایل ارتباطی به دیگر فضاهای راه یافته و هر روز افراد بیشتری را تابع شیوه‌ی شهری می‌سازد (ورث، ۱۹۳۸: ۵).

در راستای توصیف و تبیین وضعیت شهرگرایی، سه دیدگاه نظری وجود دارد:

رویکرد جبرگرایی

مهمترین و با نفوذترین نظریه در مورد شهرگرایی، دیدگاهی است که غالباً آن را دیدگاه جبرگرایی و یا نظریه‌ی بوم‌شناختی و بعضاً نظریه‌ی آنومی شهری نامیده‌اند. این رویکرد از منظر نظریه‌پردازان به دلیل متغیرهای اکولوژیکی، نظیر جمعیت زیاد و متراکم، عدم تجانس ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان ارتباطات و رفت و آمد و محرکهای شهری بر شیوه‌ی زندگی شهرنشینان تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که زندگی شهرنشینان با ساکنان دیگر مکانها مثل روستا متفاوت باشد؛ یعنی در بین شهرنشینان شیوه‌ی زندگی ویژه‌ای با عنوان شهرگرایی وجود دارد.

جوهر تحلیلهای جامعه‌شناختی بزرگانی چون دورکیم، وبر، تونیس و زیمل، ایجاد ارتباط

بین ویژگیهای ساختاری جامعه‌ی بویژه اندازه‌ی آن و نظم اخلاقی جامعه بوده است. آنها مدعی‌اند که شهرگرایی شیوه‌های جدید از زندگی اجتماعی ارائه می‌کند و انسانهای جدیدی پرورش می‌دهد.

وبر معتقد بود برای مطالعه‌ی جامعه‌شناسی شهر، باید شهرهای مختلف را در نقاط مختلف دنیا و در زمانهای گوناگون بررسی کرد و همین نقطه‌ی مثبت وبر در جامعه‌شناسی شهری است (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۱۸). وی در اثر معروف خود شهر در گذر زمان، شهر را از دیدگاه استقلال سیاسی و زمینه‌های پیدایش جامعه‌ی مدنی در غرب مطرح می‌کند. او با ساختن یک نمونه‌ی آرمانی به مقایسه‌ی شهر اروپایی یا آسیایی می‌پردازد و می‌خواهد نشان دهد که شهر غربی دارای ویژگیهای خاصی است که آن را از شهرهای دیگر نقاط جهان متمایز می‌کند (ممتاز، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

دورکیم تراکم مادی را عامل مؤثری در پیدایش تراکم اخلاقی می‌داند. به اعتقاد او رشد و تراکم جمعیت نیاز به تقسیم کار را پدید می‌آورد و شهر عرصه‌ی اصلی مشاهده‌ی این فرآیند است. به نظر او در شهر شاهد همبستگی ارگانیک هستیم زیرا به سبب وجود یک تقسیم کار پیچیده، هریک از اعضای جامعه به دیگری وابسته است و این وابستگی هریک از اعضا به کل، عامل اصلی اتحاد اعضاست؛ اما در جامعه دارای همبستگی مکانیکی، عامل اصلی در اتحاد اعضای جامعه، وجود یک وجدان واحد است. دورکیم معتقد بود که نتیجه‌ی نهایی جامعه دارای همبستگی ارگانیکی، پیشرفت و ترقی اجتماعی است؛ از این رو، دورکیم طرفدار ظهور شهر به عنوان مرحله‌ی پیشرفت شرایط بشری بود (فلانگان، ۱۹۹۹).

تصویری که دورکیم از جامعه‌ی شهری ارائه می‌کند عبارت است از: از بین رفتن صمیمیت، ظهور روابط قراردادی، جایگزین شدن همبستگی مبتنی بر تمایز و به هم وابستگی کارکردی به جای همبستگی مبتنی بر تجربه‌ی مشترک، آزادی بیشتر افراد به دلیل گمنامی آنها و همچنین تقلیل کنترل‌های سنتی در شهر (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

تونیس مفهوم جامعه در دوران نوین را مترادف با زندگی شهرنشینی گرفته است. از نظر

او علت دگرگونی‌های جوامع انسانی بیش از هر چیز ناشی از روابط انسانی میان افراد است. او عمیقاً به تقسیم‌بندی گروه‌های انسانی بر مبنای روابط انسانی معتقد است (شیخی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). وی به تقابل دو نوع زندگی اجتماعی گماینشافت یا اجتماع، که ویژگی اجتماعات کوچک است و گزلفاشت یا جامعه که ویژگی شهرهای بزرگ است، پرداخت. به اعتقاد او ویژگی‌های گماینشافت عبارتند از: وجود سنتهای مشترک، روابط صمیمی، وجود دشمن و دوست مشترک و احساس خودی که نوعی انسجام اجتماعی مبتنی بر احساسات و اهداف مشترک است و در مقابل ویژگی‌های گزلفاشت مبتنی بر رفتار عقلانی و حسابگری مردم و به فکر منافع خود بودن است (شارع پور، ۱۳۸۹: ۱۱۲).

زیمل از جمله اندیشمندان کلاسیک در میان جامعه‌شناسان است که دیدگاه‌های او در تحلیل از شهرنشینی جدید و تأملات او پیرامون ابعاد تهدیدکننده‌ی فرهنگی و اجتماعی شهر مدرن درقبال ساکنان شهری بسیار گسترش یافته است. او از نخستین کسانی است که متوجه پیامدهای دشوار و ناخوشایند شهرگرایی نوین شده است (زیمل، ۱۹۷۱: ۳۲۵). به نظر زیمل فردگرایی خصلت اجتماعی جدیدی است که با تقسیم‌بندی نیروی کار و مبادله‌ی کالایی و مهمتر از همه با فضاها و شبکه‌های چندگانه‌ی شهری که فرد به آن تعلق دارد ارتباط نزدیکی دارد؛ به قول روت کوزر، پیچیدگی شهر "بستراستقلال فرد" است (تاجبخش، ۱۳۸۶: ۱۶۸).

همچنین زیمل در مقاله‌ی کلانشهر و حیات ذهنی بر این باور است که در شهر فرد به ناچار در مقابل هجوم محرک‌های بی‌شماری قرار می‌گیرد و اگر بخواهد در مقابل هرکس واکنش نشان دهد، انرژی عاطفی زیادی لازم دارد. بدین‌سان ویژگی اساساً عقلانی حیات ذهنی شهرهای کوچک و روستاها که مبتنی بر احساسات و روابط عاطفی است بیش از پیش فهم‌پذیر می‌گردد و فرد به جای واکنش عاطفی، اصولاً به شیوه‌های عقلانی واکنش نشان می‌دهد (زیمل، ۱۹۷۱: ۵۳-۶۶). زیمل معتقد است انسان شهری وقت‌شناس، حسابگر، بی‌تفاوت در برابر محرک‌های بی‌شمار محیط شهری، دارای گرایش ذهنی مبتنی بر رفتاری احتیاط‌آمیز، تودار و خویشان‌دار، بی‌خبر از همسایه و سرد و خشک است

(زیمل، ۱۹۶۹: ۴۸).

پارک می‌کوشد شهر را نه به عنوان یک پدیده‌ی جغرافیایی بلکه به مثابه‌ی نوعی اندام اجتماعی مشاهده کند (فیالکوف، ۱۳۸۹: ۷۳). شهر به نظر پارک محیط متناقض و دوگانه‌ای است که از یک سو بستر انواع ناهنجاریها و بی‌سازمانی و درعین حال محیط پرورش‌دهنده خلاقیت، نوآوری و پیشرفت است. در جامعه‌ی انسانی شهری در کنار رقابت، مشکل دیگری از کنش وجود دارد که عبارت است از ارتباط و کارکرد، یا یکی از کارکردهای ارتباط اینست که در بین افراد جامعه تفاهم شکل بگیرد. به عبارت دیگر جدایی و رقابت بر سر تصاحب منابع و منافع در محیط شهری انسانها را به سمت تنازع برای بقا و در نهایت فردگرایی افراطی می‌کشاند (نقدی، ۱۳۸۲: ۶۱).

با آنکه شهرنشینی پدیده‌ی تازه‌ای نیست اما فرآیند شهرگرایی در دوره‌ی معاصر از چنان ویژگی‌هایی برخوردار گردیده که آن را از اساس با شهرهای کلاسیک و شهرنشینی سنتی متفاوت ساخته است. در دوره‌ی معاصر دو گرایش تا حدودی متفاوت اما کاملاً مرتبط در حوزه مسائل مربوط به شهر رخ نموده است: الف- گسترش شهرنشینی ب- توسعه‌ی شهرگرایی که به تعبیر ارنست برگس اولی پدیده‌ای پویا و سیال و دیگری پدیده‌ای ایستاست (ادیبی، ۲۵۳۶: ۵۵). وی شهرنشینی را از شهرگرایی جدا می‌کند؛ شهرنشینی به عنوان یک پویا مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و شهرگرایی به عنوان یک شرط یا مجموعه‌ای از شرایط و وضعیت‌هاست که مفهوم وسیع‌تری دارد و با نتایج اجتماعی و شخصی زندگی در محیط شهری سر و کار دارد (ادیبی، ۲۵۳۶: ۵).

دیدگاه جبرگرایی در مورد شهر و شهرنشینی با نظریات لوئیس ورت به اوج خود می‌رسد. وی شهر را جایگاه نسبتاً بزرگ، متراکم و دائمی افرادی که به لحاظ اجتماعی ناهمگونند، تعریف می‌کند. از نظر ورت جمعیت زیاد معمولاً تفاوت‌های فردی را افزایش می‌دهد و موجب جداسازی گروه‌های اجتماعی براساس ویژگی‌های عمومی مثل رنگ، قومیت و منزلت اجتماعی - اقتصادی می‌شود. همچنین شهرنشینی موجب تقطیع زندگی خصوصی فرد و غیر عاطفی شدن روابط فرد می‌شود و فاصله اجتماعی را به وجود

می‌آورد (لطیفی، ۱۳۹۱: ۱۴). وی از جمله نظریه‌پردازانی است که بیشترین انتقادات بر ضد شهرگرایی علیه نظریه‌های وی مطرح شده است. او معتقد است هرچه جمعیت بیشتر، متراکم‌تر و دارای ناهمگونی بیشتر باشد، خصوصیات مربوط به شهرگرایی بیشتر خواهد بود. انسان شهری از یک طرف میزان مطمئنی از آزادی یا رهایی از نظارت‌های شخصی و عاطفی گروه‌های صمیمی را به دست می‌آورد و از طرف دیگر، بیان طبیعی اخلاقی و احساس مشارکت را که از زندگی کردن در یک جامعه‌ی منسجم به دست می‌آید، از دست می‌دهد (ورث، ۱۸۳۸: ۸).

شهر از نگاه او صحنه‌ی نمایش فرآیند تجمع و جدایی جمعیت‌هایی است که در سامانه‌های اخلاقی گروه‌بندی می‌شوند. در یک وضعیت نزدیکی فضایی و گوناگونی اجتماعی، شهرنشین بر حسب نوع محیطی که مخاطب قرار می‌دهد، نقش‌های متفاوتی ایجاد می‌کند. این ساختار مادی ایجاب می‌کند که در شهر روابط بی‌نام، سطحی، ناپایدار، بخشی، سودجویانه و عقلانی باشد (ورث، ۱۹۸۰: ۶).

در نتیجه از این دیدگاه روابط متقابل اجتماعی در جوامع شهری از نوعی پایداری ذاتی برخوردار نیست و ساختار سست آن تنها به واسطه‌ی منافع شخصی افراد به وجود آمده و به جای مانده است و اینکه فشار، بیگانگی، فردگرایی، نابسامانی و فاصله‌ی اجتماعی، رسمیت و عمومیت و خودنمایی پدیده‌هایی شهری‌اند. براساس نظریات رویکرد جبرگرایی، می‌توان گفت که بستر شهر و شهرنشینی با توجه به عوامل و ویژگی‌های مرتبط با آن، شیوه‌ی زندگی شهرگرایی مبتنی بر ویژگی‌های خاص ذکر شده را به وجود می‌آورد و در واقع، این شیوه‌ی زندگی حاصل جبر محیط شهری است.

رویکرد ترکیبی

صاحب‌نظران متعددی دیدگاه جبرگرایی مربوط به شهر و شهرنشینی را از ابعاد مختلف مورد انتقاد قرار داده‌اند و خود دیدگاه جدیدی تشکیل داده و دیدگاه ترکیبی را معرفی نموده‌اند. ترکیب‌گرایان مانند جبرگرایان، تفکیک شدید بین شهر و روستا را به عنوان دو عنصر مخالف پذیرفته‌اند و معتقدند که اصولاً مقایسه‌ای اینچنین سخت و قاطع بین

ویژگی‌های شهر و روستا ممکن نیست. نظریه‌ی ترکیبی بر وجود پیوندهای قوی و گروه‌های بهم پیوسته متعدد در میان شهریان تأکید می‌کند، اگرچه به تفاوت‌های روانی-اجتماعی شهریان و روستاییان معترفند؛ اما آن را حاصل عواملی نظیر تفاوت‌های طبقاتی، سن، جنسیت، قومیت، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلات، نوع شغل و پیشینه‌ی افراد می‌دانند و نه ناشی از زندگی شهری. یعنی شیوه‌های زندگی که در شهرها یافت می‌شود منحصر و محدود به شهر نیست و هر جای دیگری نیز می‌توان آن را پیدا کرد. به طور کلی، در دیدگاه ترکیبی، شهرنشینی (به معنای شهرشدن یک منطقه) لزوماً با شهرگرایی، به معنای شیوه‌ی خاصی از زندگی همراه نیست. از جمله نظریه‌پردازان این دیدگاه، لوئیس، استون، دانکن، رایز، وایت، ژاکوبز و گانس هستند (صدیق سروستانی، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۵).

اسکار لوئیس در تشریح نظریات ترکیب‌گرایانه‌ی خود، شهر را ترکیب ناهمگون گروه‌های کوچک اجتماعی دانسته‌اند. به نظر وی هریک از این گروه‌های کوچک، حلقه‌های اجتماعی دوستانه‌ای است که بر اساس قومیت، خویشاوندی، همسایگی، نوع شغل، شیوه زندگی یا ویژگی‌های همانند شخصی تشکیل شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۵۸-۱۵۹). هربرت گانس به عنوان یکی از نظریه‌پردازان تأثیرگذار در این رویکرد در مقاله‌اش با عنوان "شهرگرایی و حومه‌گرایی به عنوان شیوه‌های زندگی" به این موضوع می‌پردازد. او معتقد است حیات اجتماعی شهرنشینان بیشتر به عوامل غیراکولوژیک مانند: طبقه‌ی اجتماعی، قومیت و مراحل عمر وابسته است و رفتار فردی به وسیله‌ی موقعیت اقتصادی، فرهنگی و منزلت خانوادگی و وضعیت تأهل اشخاص شکل می‌گیرد و همین عوامل تعیین‌کننده‌ی فضای اجتماعی و محل زندگی افراد است (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

در مجموع می‌توان گفت در رویکرد ترکیبی، شهر در بردارنده‌ی شیوه‌ی خاص زندگی نیست و برعکس رویکرد جبرگرایی، روابط صمیمانه و پیوند عاطفی در شهر وجود دارد. شهر از بین برنده‌ی پیوندها و روابط اجتماعی‌ای که حول چنین محورهایی تشکیل شود،

نیست بلکه این پیوندها همچنان پابرجاست و تأثیرات شهرنشینی اهمیت چندانی ندارد و منشأ تفاوت رفتاری را ناشی از اختلاف در طبقات اجتماع، قومیت و شرایط خاص ساکنان می‌دانند، به گونه‌ای که بر اثر چنین اختلافاتی تفاوت‌های رفتاری پدید می‌آید (بمانیان، ۱۳۹۰: ۶۵). از نظر آنها در شهر شیوه‌های مختلف زندگی وجود دارد و این اختلاف شیوه‌ها و گوناگونی زندگی شهری بیشتر متأثر از ویژگیهای اجتماعی مثل: سن، جنس، درآمد، شغل، طبقه، وضعیت تأهل و سطح سواد افراد است.

رویکرد خرده‌فرهنگی

با وجود قوت منطقی دیدگاه ترکیب‌گرایان در مقابل دیدگاه بوم‌شناسان، بازهم نمی‌توان نظر ترکیب‌گرایان را به طور کامل پذیرفت. از این رو بینش جدیدی که به شهر و شهرنشین از این دید سوم می‌نگرد، دیدگاه خرده‌فرهنگی نام گرفته و صاحب‌نظر اصلی آن کلود فیشر است. بنا بر نظر او شهرگرایی زندگی اجتماعی را متأثر می‌سازد و باعث ایجاد و تقویت گروه‌های اجتماعی می‌شود. در واقع دیدگاه فیشر سنتزی است که بین تأکید جبرگرایان بر عوامل بوم‌شناختی شهرها و تأکید ترکیب‌گرایان بر ویژگیهای خرده-فرهنگی شهرنشینان تعادلی ایجاد کرده و مدعی‌اند که انسان شهری در گروه‌های اجتماعی متعددی عضویت دارند و زندگی می‌کنند. فیشر معتقد است که شهرگرایی مستقلاً زندگی اجتماعی را متأثر می‌سازد. این تأثیر با وجود ادعای جبرگرایان باعث ایجاد و تقویت گروه‌های اجتماعی می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۶۵-۱۶۸).

به نظر فیشر تعداد، تراکم و ناهمگونی ویژگیهای خرده‌فرهنگی را شدت می‌بخشد، در نتیجه تنوع و تقابل در شهر آشکارتر می‌شود؛ در واقع شهر تأثیرات نژاد، طبقه، سن و غیره را افزایش می‌دهد و بزرگ می‌کند (شارع پور، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

در جهت تبیین شیوه‌ی زندگی شهری، مشاهده شد که هرکدام از رویکردهای سه‌گانه بر عوامل گوناگون در تبیین شیوه‌های زندگی شهری تأکید دارند. دیدگاه جبرگرایی خود شهر را در شکل‌گیری شیوه‌ی زندگی خاص شهرگرایی مؤثر می‌داند. در مقابل، دیدگاه ترکیبی و خرده‌فرهنگی بر این باورند که فقط یک شیوه‌ی زندگی خاص در شهر وجود ندارد. در

تحلیل چنین وضعیتی، رویکرد ترکیبی بر ویژگیهای ترکیبی نظیر طبقه، سن، جنسیت، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، درآمد و نوع شغل تأکید دارد. رویکرد خرده‌فرهنگی نیز این ویژگیها را مؤثر دانسته، اما متغیرهای اکولوژیکی نظیر، جمعیت زیاد به شکل‌گیری خرده‌فرهنگها بر اساس ویژگی افراد می‌انجامد و بنابراین بین شیوه‌های زندگی شهر و روستا از این لحاظ تفاوت وجود دارد. با این‌همه می‌توان گفت شهر دارای ویژگیهایی نظیر فردگرایی، بی‌تفاوتی، نابسامانی اجتماعی، روابط ثانویه و مبتنی بر عقلانیت حسابگرانه و همچنین از خودبیگانگی می‌باشد و در نتیجه این ویژگیها شهر را از مناطق غیر شهری جدا می‌کند و به تبع آن نوع روابط و شیوه‌ی زندگی نیز متفاوت می‌شود.

با توجه به دیدگاههای نظری و مطالعات تجربی ارائه شده می‌توان گفت که هم خود شهر با توجه به ویژگیهایی که دارد، و هم خصوصیات افراد در تبیین شیوه‌های زندگی در شهر نقش دارند. بنابراین همه‌ی دیدگاه‌ها قادر به تبیین بخشی از شهرگرایی هستند و ممکن است افراد شهرنشین دارای میزان شهرگرایی متفاوتی باشند.

بدین منظور در تحقیق حاضر برای توصیف و تبیین وضعیت شهرگرایی در بین ساکنان شهر مورد نظر، از دو دیدگاه جبرگرایی و دیدگاه ترکیبی استفاده می‌شود؛ به این معنا که ابتدا به منظور توصیف میزان شهرگرایی، شاخصهای مورد نظر را از دیدگاه جبرگرایی استخراج کرده و در ادامه با استفاده از مرور نظری و تجربی و براساس دیدگاههای ترکیبی و خرده‌فرهنگی بسته به ویژگی‌های افراد نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، نوع شغل، درآمد، سابقه‌ی زندگی در شهر و منشأ شهری یا روستایی، نوع محله و تعداد فرزندان، به تبیین وضعیت شهرگرایی و ارتباط آن با میزان شهرگرایی افراد مورد بررسی قرار گرفته است.

در این پژوهش با توجه به نظریات ارائه شده سه مؤلفه‌ی کلیدی به عنوان متغیر وابسته در ذیل از منظر جامعه‌شناسان شهری استنباط و استخراج شده است که عبارتند از:

جدول شماره (۲): مؤلفه‌های متغیر وابسته و ابعاد آن

نظریه پردازان	ویژگیهای شهرگرایی	ابعاد	آثار و نتایج
مارکس وبر زیمل ورث	از خودبیگانگی	بی‌هنجاری بی‌قدرتی بی‌معنایی انزوا	احساس ناامنی، بی‌یاوری، احساس تبعیض احساس دلزدگی، بدبینی و بی‌اعتنایی، پوچی جدایی از خود و بی‌معنایی، تنفر از خویش احساس انزوا و تنهایی، احساس جدا افتادگی
وبر زیمل تونیس پارک ورث	عقلانیت	انتخاب عقلانی، روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی، سنجش فرصتها، اتکا به عقل‌گرایی، سودجویی و نفع طلبی، ابزارانگاری روابط، ترجیح منافع شخصی، کاهش اعتماد اجتماعی فرد، مادی شدن روابط، رشد خودخواهی فردی	
دورکیم زیمل پارک لرنر	فردگرایی	غرور فردی، فخرفروشی، لذت‌طلبی، ارزشهای خودخواهانه، عدم باور به عقل جمعی، بدبینی نسبت به دیگران، کاهش احساس مسؤولیت اجتماعی، پیروی از نظامهای ارزشی جدید	

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه‌ی آماری سرپرستان خانوارهای ساکن شهرستان ساری هستند که تعداد آنها براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران ۱۳۵۱۰۷ نفر است. حجم نمونه توسط فرمول کوکران محاسبه شده است که حدود ۳۴۰ نفر از افراد می‌باشند. با توجه به حجم جامعه‌ی آماری از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی ساده استفاده شده است. پرسشنامه از اعتبار محتوایی برخوردار بود. پایایی متغیرها به قرار زیر بود:

برای بررسی وضعیت و میزان از خودبیگانگی افراد مجموعاً ۲۱ سؤال در نظر گرفته شده است. این شاخص شامل چهار بعد می‌باشد بعد اول بی‌هنجاری است که شامل ۷ گزینه و میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۸ و با معرفه‌هایی از قبیل: عدم وجود قانون و قاعده مشخص برای زندگی، جامعه فاقد نظم، پیشرفت افراد از راههای غیرقانونی و تقلب، بدتر شدن اوضاع محروم جامعه، بی‌فایده‌ی بازگو کردن مشکلات به دولتمردان و نادیده گرفتن خلاف بعضی افراد در جامعه بررسی شده است.

بعد دوم بی‌معنایی است که ترکیبی از ۶ سؤال و میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۰ می‌باشد و با معرفه‌هایی از قبیل: نداشتن تسلط افراد بر مسیر زندگی خود، عدم توانایی افراد برای تغییر سرنوشت خود، غیر مفید و پر بار نبودن زندگی افراد، عدم دستیابی به اهداف و داشتن زندگی بیهوده، بی‌هدف و تنهایی افراد جامعه بررسی شده است.

بعد سوم بی‌قدرتی است که شامل ۵ سؤال و میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و معرفه‌هایی از قبیل: عدم توانایی افراد برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها و تحقق صلح جهانی پایدار، عدم تأثیرپذیری یک شهروند عادی بر تصمیمات دولت و فقدان توانایی شناخت جهان توسط افراد در جامعه بررسی شده است.

بعد چهارم انزواست که شامل ۳ سؤال و میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۲ و معرفه‌هایی از قبیل: بی‌اهمیتی تصمیمات افراد در سرنوشت خود، بی‌نتیجه بودن شرکت افراد در صحنه‌های سیاسی و بی‌تفاوتی افراد جامعه مورد بررسی قرار گرفته است.

برای بررسی اینکه افراد در شهر تا چه میزان فردگرا هستند از ۱۰ گزینه استفاده شده است و میزان آلفای کرونباخ ۰/۷۱ بوده و با معرفه‌هایی از قبیل: حساسگری در زندگی، متکی بودن به خود، به فکر منافع خویش بودن، پول به عنوان حلال مشکلات، بی‌تفاوتی نسبت به خوشی و ناراحتی دیگران، استفاده از نقاط ضعف دیگران برای رسیدن به موفقیت، وجود رقابت شدید در کار و مسائل شخصی، عدم کمک به دیگران در مواقع ضروری به علت رسیدگی به کارهای شخصی و کمک به دیگران در صورت احتمال کمک آنها در آینده و موارد دیگر سنجیده شده است.

برای دستیابی به میزان عقلانیت افراد در شهر از ۷ گزینه استفاده شده است و میزان آلفای ۰/۷۰ بوده و با معرفه‌هایی از قبیل: سپردن کارهای مهم به دست افراد متخصص، توجه به موارد مختلف در انتخاب همسر، توجه به همه‌ی جوانب در خرید شخصی، انجام ندادن کار خیر به علت نتیجه‌ی ناخوشایند آن، اخراج افراد از کار به علت عدم کارایی و خرج کردن مقدار مشخصی پول در یک روز و موارد دیگر بررسی شده است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این تحقیق عبارتند از: سن، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت اشتغال، درآمد، سابقه‌ی زندگی در شهر، منشأ شهری یا روستایی، نوع محله و

تعداد فرزندان می‌باشد.

جدول شماره (۳): میزان فراوانی توصیفی متغیرهای مستقل

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
سن	۳۹-۳۰	۲۲۳	۶۵/۶
	۴۹-۴۰	۷۳	۲۱/۵
	۶۵-۵۰	۴۴	۱۲/۹
جنس	مرد	۲۴۴	۸۱/۸
	زن	۹۶	۲۸/۲
وضعیت تأهل	مجرد	۹۶	۲۸/۲
	متأهل	۲۴۴	۸۱/۸
تحصیلات	زیر دیپلم و دیپلم	۱۴۸	۴۳/۵
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۶۴	۴۸/۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۲۸	۸/۲
وضعیت شغلی	کارمند	۷۱	۲۰/۹
	آزاد	۲۱۸	۶۴/۱
	بیکار و بازنشسته	۱۸	۵/۳
	دانشجو و خانه‌دار	۳۳	۹/۷
درآمد	بین ۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰ تومان	۱۳	۳/۸
	۱۰۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰۰۰	۷۵	۲۲/۱
	۱۵۰۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰۰۰	۴۷	۱۳/۸
	۱۵۰۰۰۰۰ به بالا	۴۲	۱۲/۴
	بی پاسخ	۱۶۳	۴۷/۹
سابقه‌ی زندگی	کمتر از ۱۰ سال	۲۵	۷/۴
	۱۱ تا ۳۰ سال	۱۱۰	۳۲/۳
	۳۱ سال به بالا	۲۰۵	۶۰/۳
منشأ شهری	روستایی	۸۷	۲۵/۶
	شهری	۲۵۳	۷۴/۴
نوع محله	بالای شهر	۴۷	۱۳/۸
	متوسط شهری	۲۲۱	۶۵
	پایین شهر	۷۲	۲۱/۲
تعداد فرزند	بدون فرزند	۱۴۲	۴۱/۸
	۱ ^o ۳ فرزند	۱۸۶	۵۴/۷
	۴ فرزند و بیشتر	۱۲	۳/۵

در این پژوهش بیشترین پاسخگویان در گروه سنی ۳۰-۳۹ سال قرار دارند و اغلب مرد، متأهل و از لحاظ تحصیلات در سطح فوق دیپلم و لیسانس می‌باشند. از نظر وضعیت اشتغال بیشتر پاسخگویان دارای شغل آزاد و درآمد بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ میلیون تومان هستند. بیشتر افراد سابقه‌ی زندگی ۳۱-۴۰ سال در شهر را داشته و بیشتر آنها دارای منشأ شهری هستند. تعداد بیشتری از افراد در محله‌های متوسط شهر زندگی می‌کنند و بدون فرزند می‌باشند.

متغیر وابسته

متغیر وابسته‌ی این تحقیق شهرگرایی می‌باشد که با شاخصهای سه‌گانه شامل: عقلانیت، فردگرایی و ازخودبیگانگی با ابعاد (بی‌هنجاری، بی‌معنایی، بی‌تفاوتی و انزوا) توصیف می‌شود.

جدول شماره (۴): توزیع فراوانی پاسخگویان براساس متغیرهای عقلانیت و فردگرایی

فردگرایی						عقلانیت					
کلی		بالا		متوسط		کلی		بالا		متوسط	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱۰۰	۳۴۰	۵۵/۶	۱۸۹	۴۴/۴	۱۵۱	۱۰۰	۳۴۰	۹۲/۶	۳۱۵	۷/۴	۲۵

همانگونه که از ارقام جدول برمی‌آید میزان عقلانیت پاسخگویان در حد بالا و میزان فردگرایی آنها نیز نسبتاً بالا می‌باشد. توزیع فراوانی پاسخگویان براساس میزان ازخودبیگانگی در جدول شماره (۵) آورده شده است.

جدول شماره (۵): توزیع پاسخگویان بر حسب میزان ابعاد ازخودبیگانگی

درصد			فراوانی			متغیرهای مستقل
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	
۴۳/۸	۵۵/۶	۰/۶	۱۴۹	۱۸۹	۲	ازخودبیگانگی
۶۸/۸	۳۰/۹	۰/۳	۲۳۴	۱۰۵	۱	بی‌هنجاری
۲۲/۹	۷۰	۷/۱	۷۸	۲۳۸	۲۴	بی‌معنایی
۵۴/۷	۴۳/۸	۱/۵	۱۸۶	۱۴۹	۵	بی‌تفاوتی
۲۸/۸	۵۵/۹	۱۵/۳	۹۸	۱۹۰	۵۲	انزوا

در جدول فوق توزیع فراوانی وضعیت ازخودبیگانگی و ابعاد چهارگانه آن توسط پاسخگویان ارائه شده است. بیشتر افراد از نظر میزان ازخود بیگانگی در حد متوسط قرار دارند و تعداد زیادی از افراد، میزان ازخودبیگانگی بالایی دارند. همچنین تعداد زیادی از افراد با اختلاف زیاد، از میزان بی‌هنجاری بالایی برخوردار هستند و تعداد قابل توجهی از افراد در سطح متوسطی از بی‌هنجاری قرار دارند. بیشتر افراد از نظر میزان بی‌معنایی در حد متوسط و تعداد زیادی از افراد، میزان بی‌معنایی بالایی دارند. اکثریت افراد از نظر میزان بی‌قدرتی در حد بالایی قرار دارند و تعداد زیادی از افراد، میزان بی‌قدرتی متوسط دارند. همچنین افراد بسیار کمی دارای بی‌قدرتی پایینی در شهر می‌باشند. بیشتر افراد از نظر میزان انزوا در حد متوسط قرار دارند و تعداد زیادی از افراد، میزان انزوای بالایی دارند.

جدول شماره (۶): توزیع پاسخگویان بر حسب میزان شهرگرایی

شهرگرایی	فراوانی	درصد
پایین	۱۲	۳/۶
متوسط	۱۵۰	۴۴/۱
بالا	۱۷۸	۵۲/۳
کل	۳۴۰	٪۱۰۰

در جدول فوق توزیع فراوانی وضعیت شهرگرایی پاسخگویان ارائه شده است. میزان شهرگرایی بیشتر پاسخگویان در سطح بالایی قرار دارد و تعداد زیادی از افراد دارای شهرگرایی در سطح متوسط می‌باشند. فراوانی افراد دارای شهرگرایی پایین نسبت به دو وضعیت دیگر بسیار کمتر است و درصد اندکی را به خود اختصاص داده است؛ بنابراین بیشتر افراد از نظر میزان شهرگرایی در حد بالایی می‌باشند که در بخش تحلیل تبیینی به بررسی میزانهای متفاوت شهرگرایی افراد براساس شهرگرایی آنها خواهیم پرداخت.

یافته‌های استنباطی

جدول شماره (۷): رابطه بین متغیرهای مستقل و میزان شهرگرایی

عقلانیت	فردگرایی	از خود بیگانگی	بی‌هنجاری	بی‌معنایی	بی‌قدرتی	انزوا		
۰/۱۵۷	-۰/۱۱۷	-۰/۱۳۰	-۰/۱۱۶	-۰/۱۰۱	-۰/۱۰۸	-۰/۰۴۹	میزان همبستگی	سن
۰/۰۰۴	۰/۰۳۱	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳	۰/۰۶۲	۰/۰۴۷	۰/۳۶۴	سطح معناداری	
۱۷۵/۱۴	۱۴۹/۹۶	۱۵۹/۷۷	۱۵۳/۸۵	۱۶۴/۸۰	۱۶۸/۱۶	۱۷۰/۴۰	زن	جنس
۱۶۸/۶۸	۱۷۸/۵۸	۱۷۴/۷۲	۱۷۷/۰۵	۱۷۲/۷۴	۱۷۱/۴۲	۱۷۰/۷۷	مرد	
۰/۵۸۴	۰/۰۱۶	۰/۲۰۶	۰/۰۵۰	۰/۷۸۳	۰/۵۰۲	۰/۹۷۵	سطح معناداری	
۱۵۸/۵۲	۱۸۶/۸۹	۱۹۸/۲۶	۱۸۴/۹۰	۱۹۷/۶۱	۱۸۳/۷۰	۱۹۷/۰۱	مجرد	تاهل
۱۷۵/۲۲	۱۶۴/۰۵	۱۵۹/۵۸	۱۶۴/۸۴	۱۵۹/۸۳	۱۶۵/۳۱	۱۶۰/۰۷	متاهل	
۰/۱۵۷	۰/۵۴	۰/۰۰۱	۰/۰۹۰	۰/۱۱۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	سطح معناداری	
-۰/۰۱۵	-۰/۱۴۴	-۰/۱۶۴	-۰/۱۰۹	-۰/۱۶۶	-۰/۱۳۰	-۰/۰۷۳	میزان همبستگی	تحصیلات
۰/۷۸۴	۰/۰۰۸	۰/۰۰۲	۰/۰۴۵	۰/۰۰۲	۰/۰۱۶	۰/۱۷۷	سطح معناداری	
۰/۷۸۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	سطح معناداری	شغل
۰/۰۷۳	۰/۰۵۷	۰/۰۳۸	۰/۰۵۸	-۰/۰۹۰	۰/۰۵۸	۰/۱۰۱	میزان همبستگی	درآمد
۰/۱۷۸	۰/۴۴۷	۰/۶۱۹	۰/۴۴۶	۰/۲۳۲	۰/۴۴۴	۰/۱۷۹	سطح معناداری	
۰/۱۰۷	۰/۰۳۹	۰/۰۲۸	۰/۰۱۴	-۰/۰۱۹	۰/۰۲۵	۰/۰۸۶	میزان همبستگی	سابقه‌ی
۰/۰۴۹	۰/۴۷۱	۰/۶۰۲	۰/۷۷۹	۰/۷۲۹	۰/۶۴۳	۰/۱۱۲	سطح معناداری	زندگی
۱۸۳/۶۸	۱۶۱/۵۹	۱۶۱/۸۷	۱۵۹/۹۸	۱۶۸/۷۰	۱۷۰/۲۶	۱۵۲/۶۸	روستا	منشأ شهری
۱۶۵/۹۷	۱۷۳/۵۶	۱۷۳/۴۷	۱۷۴/۱۲	۱۷۱/۱۲	۱۷۰/۵۸	۱۷۶/۶۳	شهر	
۰/۱۴۶	۰/۳۲۷	۰/۳۴۲	۰/۲۴۶	۰/۹۷۶	۰/۸۴۲	۰/۰۴۹	سطح معناداری	
-۰/۰۶۷	-۰/۰۹۵	-۰/۱۴۱	-۰/۰۸۱	-۰/۱۰۱	-۰/۱۳۲	۰/۱۲۵	میزان همبستگی	نوع محله
۰/۲۲۱	۰/۰۸۱	۰/۰۰۹	۰/۱۳۷	۰/۰۶۲	۰/۰۱۵	۰/۰۲۱	سطح معناداری	
۰/۱۶۹	-۰/۰۸۴	-۰/۱۰۱	-۰/۰۷۹	۰/۰۶۵	-۰/۰۸۱	۰/۰۷۸	میزان همبستگی	تعداد
۰/۰۰۲	۰/۱۲۴	۰/۰۶۴	۰/۱۴۸	۰/۲۳۱	۰/۱۳۵	۰/۱۵۱	سطح معناداری	فرزندان

با توجه به ارقام جدول شماره (۷)، بین سن شاخصهای مختلف شهرگرایی از جمله از خودبیگانگی و ابعاد آن و فردگرایی و عقلانیت، رابطه‌ای معنادار وجود دارد. بین سن و

متغیر عقلانیت رابطه مثبت است؛ به طوری که با افزایش سن افراد در شهر بر میزان عقلانیت آنها افزوده می‌شود و برعکس با افزایش سن افراد از میزان فردگرایی، از خودبیگانگی، بی‌هنجاری و بی‌قدرتی آنها کاسته می‌شود. نظریه‌پردازانی همچون زیمل (۱۹۷۱)، فیشر (۱۹۸۲)، و لوئیس ورث (۱۹۳۸) معتقدند شیوه‌های زندگی در شهرهای بزرگ و عقلانیت ناشی از آن و همچنین فردگرایی، باعث افزایش میزان از خودبیگانگی افراد شده و انسان در جامعه‌ی جدید نوعی احساس بی‌قدرتی دارد که نوعی از خود بیگانگی را در بر دارد. از نظر زیمل عقلانی شدن یک شیوه‌ی دفاعی برای شخصیت شهری است که یک ارگان محافظ برای خود در مقابل تغییرات سریع، محرک‌های بی‌شمار و عدم پیوستگی محیط بیرون به وجود آورده است.

هم‌چنین بین جنسیت و شاخص‌های مختلف شهرگرایی، از جمله بی‌هنجاری و فردگرایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ به طوری که مردان در شهر بیشتر از زنان دارای خصوصیات فردگرایانه و بی‌هنجاری هستند. فیشر (۱۹۸۲) معتقد است جمعیت زیاد و مترکم و ناهمگونی شهرنشینان ویژگی خرده‌فرهنگی از جمله سن و جنس را تشدید می‌کند و پویایی و تنوع منحصر به فردی به زندگی شهری می‌دهد.

ارقام جدول حاکی از آن هستند که بین تأهل و اکثر شاخصهای شهرگرایی از جمله از خودبیگانگی و ابعاد آن، رابطه‌ی معناداری وجود دارد؛ به طوری که افراد مجرد که در شهر زندگی می‌کنند دارای میزان از خودبیگانگی، بی‌قدرتی و انزوای بیشتری نسبت به افراد متأهل می‌باشند.

رابطه‌ی بین سطح تحصیلات و اکثر شاخصهای شهرگرایی از جمله از خودبیگانگی و فردگرایی نیز معنادار است و رابطه‌ی تحصیلات با همه‌ی شاخصها از نوع معکوس می‌باشد؛ به طوری که هرچه افراد از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار باشند، میزان فردگرایی، از خودبیگانگی، بی‌هنجاری، بی‌قدرتی و انزوای آنها در شهر کمتر خواهد بود. از نظر پارک هر عاملی که تحرک را زیادتر کند، مثل رشد امکانات حمل و نقل و نظام ارتباطات، می‌تواند بر حیات گروه اولیه اثر معکوس داشته باشد. رشد سواد و تعلیم و

تربیت، روزنامه را جایگزین گفتگوهای بین اشخاص می‌کند.

با توجه به ارقام جدول شماره (۷) بین شغل و شاخصهای شهرگرایی از جمله متغیرهای ازخودبیگانگی و ابعاد آن و فردگرایی رابطه‌ی معنادار وجود دارد؛ به طوری که افراد در مشاغل مختلف، از میزان‌های متفاوتی از شاخصهای شهرگرایی برخوردارند. از نظر زیمل (۱۹۶۹) ذهن مدرن حسابگر است؛ دقت حسابگرانه‌ی زندگی عملی و روزمره که اقتصاد پولی آن را به همراه می‌آورد با آرمان علوم طبیعی انطباق دارد؛ تبدیل جهان به مسأله‌ی ریاضی و تبیین همه‌ی بخشهای جهان با فرمول‌های ریاضی و آنچه زندگی روزانه‌ی شمار بسیاری از آدمیان را با محاسبه و توزین و محاسبات عددی و تقلیل ارزشهای کیفی به کمی پر کرده است. اقتصاد پولی باعث تفوق روح عینی بر روح ذهنی است، این امر مهمترین دلیل تقویت روحیه فردگرایی در شهرها می‌باشد.

ارقام جدول نشان می‌دهند که بین درآمد به عنوان متغیر مستقل و مؤلفه‌های مختلف شهرگرایی رابطه‌ی معناداری وجود ندارد ولی بین سابقه‌ی شهرنشینی افراد و شاخص عقلانیت معنادار است. در واقع افرادی که سالهای بیشتری را در شهر زندگی کرده و با روحيات و رفتار و سلوک شهرنشینی خو گرفته‌اند، از میزان عقلانیت بیشتری برخوردار بوده و همانطور که زیمل معتقد است انسان شهری با مغز خود به محرکه‌های بی شمار زندگی شهرنشینی پاسخ می‌دهد، نه با قلب خویش. به عقیده‌ی وی در شهر تأکید بیشتری بر عقلانیت می‌توان یافت.

انزوا به عنوان یکی از ابعاد از خود بیگانگی، تنها متغیری است که با منشأ شهری افراد رابطه‌ی معناداری دارد؛ به طوری که افرادی که پدر و مادر آنها روستایی بوده و منشأ شهری نداشته‌اند، نسبت به دیگر شهرنشینان احساس انزوای بیشتری می‌کنند.

نتیجه‌گیری:

تحقیق حاضر به منظور بررسی جامعه‌شناختی شهرگرایی افراد شهرنشین ساکن شهر ساری انجام گرفته است. شهر ساری با روند رو به رشد شهرنشینی و مهاجرت گسترده از شهرها و روستاهای اطراف رو به رو بوده و انجام تحقیقی پیرامون این موضوع برای

شناخت میزان شهرگرایی افراد ساکن این شهر و عوامل تأثیرگذار بر میزان شهرگرایی و تأثیرات آن بر شیوه‌ی زندگی و رفتار و سلوک اجتماعی آنان حائز اهمیت است. از این رو در میان ویژگی‌های مختلف شهرگرایی، سه عامل از خودبیگانگی (بی‌هنجاری، بی‌معنایی، بی‌قدرتی و انزوا)، فردگرایی، عقلانیت به عنوان مهمترین و کلیدی‌ترین مؤلفه‌های شهرگرایی که نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی شهری بر روی آنها تأکید بیشتر داشته و اشارات مختلفی به آن کرده‌اند، به عنوان متغیر وابسته انتخاب کرده و به بررسی رابطه این عوامل با ویژگی‌های افراد نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات، نوع شغل، درآمد، سابقه زندگی در شهر، منشا شهری، نوع محله و تعداد فرزندان به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق پرداخته شده است. در جامعه‌شناسی شهری نظریه‌های گوناگونی در رابطه با شهر، شهرنشینی و شهرگرایی مطرح شده است. به طور نمونه زیمل بیشتر به بررسی حیات ذهنی یا آنچه در ذهن یک فرد درباره‌ی شهر وجود دارد، پرداخته است. ماکس وبر مسأله‌ی بحران عقلانیت در شهرهای جدید غربی و خطر کاهش پیوندهای معنوی و انحطاط هویت انسانی را آغاز تحول جدید در تمدن جدید تلقی نمود. وبر درباره‌ی تأثیر شهرگرایی و از خودبیگانگی، به بحث تشدید عقلانیت و بوروکراتیزه شدن زندگی در اثر غلبه علوم پوزیتیویستی بر زندگی اشاره می‌کند.

با توجه به سؤال تحقیق در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که میزان شهرگرایی افراد ساکن شهر ساری در حد بالایی قرار دارد و بر اساس نظریات رویکرد جبرگرایی، میزان بالای شهرگرایی افراد قابل تبیین در این رویکرد بوده و شیوه‌ی زندگی شهرنشینان شهر ساری حاصل جبر محیط شهری است. همچنان‌که دیدیم، از دیدگاه جبرگرایان، شهرگرایی در بستر شهر به وجود می‌آید و این به دلیل عوامل اکولوژیک شهر است که باعث می‌شود شهرنشینان شیوه‌ی زندگی خاصی داشته باشند. از نظر جبرگرایان بویژه ورت، هر چه بر عوامل اکولوژیک مانند افزایش و تراکم جمعیت، محرک‌های تأثیرگذار شهری مانند سرو صداها، افزایش و تردد وسایل نقلیه و گروه‌های مختلف مردمی افزوده شود، خصوصیات مربوط به شهرگرایی بیشتر خواهد بود.

منابع

- ادیبی، حسین. (۲۵۳۶). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری، تهران: انتشارات شبگیر.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۰). ساختمان بلند و شهر (تحلیل تأثیرات فرهنگی و اجتماعی ساختمانهای بلند بر شهرهای بزرگ)، سازمان فرهنگی هنری شهر تهران: مؤسسه‌ی نشر شهر.
- تاجبخش، کیان. (۱۳۸۶). آرمان شهر فضا، هویت و قدرت در اندیشه اجتماعی معاصر، ترجمه‌ی افشین خاکباز، تهران: نشر نی.
- زیمل، جورج. (۱۳۷۲). «کلانشهر و حیات ذهنی»، ترجمه‌ی یوسف اباذری، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۶، بهار، صص ۵۳-۶۶.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی شهری. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها(سمت)، مرکز تحقیق و توسعه‌ی علوم انسانی.
- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی شهری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۷۱). بررسی جامعه‌شناسی روابط همسایگی در شهر تهران. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۹۱). «جامعه‌شناسی شهری». تهران: نشر علمی.
- عبدالله پور، جمال. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی وضعیت شهرگرایی شهرنشینان شهر سردشت». مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره‌ی ۱، صص ۷-۳۷.
- کولب، ویلیام ل. و جولیس گولد. (۱۳۸۲). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه‌ی جمعی، تهران: مازیار.
- لطیفی، غلامرضا. (۱۳۹۱). مدیریت شهری، تهران: نشر علم.
- ممتاز، فریده. (۱۳۷۹). جامعه‌شناسی شهر. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- موسوی، یعقوب و نیکو خصال، اعظم. (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی رفتار شهرگرایی زنان». زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۱، بهار، صص ۶۱-۸۲.
- موسوی، یعقوب. (۱۳۹۱). «پدیده‌ی کاهش همبستگی اجتماعی در کلانشهرها»، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی مدرس علوم انسانی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۳-۱۳۳.

- نقدی، اسدالله. (۱۳۸۲). درآمدی بر جامعه‌شناسی شهر: انسان و شهرنشینی. همدان: نشر فن‌آوران.
- نیکو خصال، اعظم. (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر شهرگرایی بر ایستارهای اجتماعی- فرهنگی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، استاد راهنما: یعقوب موسوی.
- B. Hooper (2009). Los Angeles school of post-Modern Urbanism, international Encyclopedia Geography, 2009, Pages 293-297.
- Fisher ,C,S.(1982). to dwell Among friend : personal network s in town and city (chicago :university Of chicago press.
- Flanagan, W .G (1999), Urban Sociology : Image and Structure ,New York: Allyn and Bacon.
- Simmel ,G(1969).the metropolitan and mental life, in Richard Sennet(ed), Classic Essays on the Cultur of Cities New York :Meredith corporation ,pp:47-60.
- Simmel ,G(1971). On in dividuality and social formes .edited by D.N.Levine ,chicago :university of chicago press.pp:29-305.
- Warfel, becky & Liang, jersey (1983). Urbanism and life satisfaction Among the Aged. Oxford gournals.pp:97-106.
- Wirth , L (1938). Urbanism as a way of life. The american journal of sociology.
- Wirth, L .(1980/1928),le ghetto ,trad .p.j.rojtman ,presses universi - taires de grenoble, pp: 1-24.